

## تحلیل تاریخی وضعیت ارتباطات عمومی علم در مجلات علمی عمومی ایرانی (۱۳۹۰ - ۱۳۹۰ خورشیدی)

حمید عبداللهیان

دانشیار ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

habdolah@ut.ac.ir

زهرا اجاق (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

zahraojagh@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۲۲

### چکیده

**هدف:** هدف این پژوهش، شناخت و تحلیل تغییراتی ساختاری در جامعه ایران است که به واسطه انتشار مجلات علمی عمومی ایرانی صورت گرفته است.

**روش:** در این مطالعه از روش تاریخی - اسنادی استفاده شده است. برای این منظور علاوه بر استفاده از اسناد و مدارکی که روشنگر وضعیت علم در ایران هستند، از تحلیل محتوای نمونه‌های تصادفی مجله‌های علمی عمومی ایرانی نیز بهره گرفته شد. این نمونه‌ها هرگز در گذشته به‌طور منظم و سازماندهی شده، سیاه‌برداري نشده بودند و برای اولین بار برای انجام این تحقیق سیاه‌های از آنها تنظیم گردید.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد که می‌توان سه نقش کلی را برای مجلات علمی عمومی ایرانی در ارتباط با تحول و تغییر فضای فرهنگی جامعه ایرانی قایل شد. این سه نقش عبارتند از: ۱- معرفی زیرساخت‌های علم توسط مجله‌های علمی عمومی ۲- گرامیداشت علم توسط مجلات علمی عمومی ایرانی، و ۳- گسترش کمی در نهادهای ارتباطات عمومی علم.

**اصالت/ارزش:** این پژوهش، اولین پژوهشی است که نقش مجله‌های علمی عمومی را در تغییرات ساختاری جامعه ایران مطالعه می‌کند. این مطالعه با در نظر گرفتن مجلات علمی عمومی به مثابه محیط‌های فرهنگی، نقش این مجلات را در تشکیل و تطور ساختار ارتباطات عمومی علم در کشور مورد پژوهش قرار داده است.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ ارتباطات، علم عمومی، مجلات علمی، عامه ایرانی، ساختار ارتباطات، گرامیداشت علم.

Research on Information Science and Public Libraries  
The Quarterly Journal of Iran Public Libraries Foundation  
Vol. 19, No.2, Successive No.73 Summer 2013  
Pp. 235-255  
Indexed in SID, ISC & MagIran

تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی  
فصلنامه علمی- پژوهشی  
دوره ۱۹، شماره ۲، پیاپی ۷۳، تابستان ۱۳۹۲  
ص ص ۲۳۵ - ۲۵۵  
نمایه‌شده در SID، ISC و MagIran

## مقدمه

این مقاله به منظور شناخت و تحلیل ساختار ارتباطات عمومی علم در ایران نگاشته شده است. با اینکه بیش از ۱۰۰ سال از انتشار نخستین مجله علمی عمومی در ایران و تلاش برای بیان علم به زبان ساده می‌گذرد، اما دانش دقیقی درباره وضعیت ساختار اطلاع‌رسانی و ارتباطات عمومی علم در ایران در دسترس نیست. ویژگی‌های ساختاری ارتباطات عمومی علم در ایران هم از شرایط انتشار مجله‌های علمی عمومی و هم از حضور این مجله‌ها به مثابه محیط‌های فرهنگی تأثیر پذیرفته است. از این‌رو، شناخت شرایطی که در آن، مجله‌های علمی عمومی ایرانی فعالیت انتشاراتی خود را آغاز کرده‌اند، و همچنین آشنایی با اهداف تولیدکنندگان این مجله‌ها و راهبردهای ساده‌سازی و ترویج علم در این مجله‌ها، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. شرایط انتشار این مجله‌ها و اهداف ناشران آنها در واقع عناصر ضروری برای کسب شناخت از وضعیت ارتباطات عمومی علم در ایران به شمار می‌آیند و راهبردی مطالعاتی را مبتنی بر نظریه رسانه (مایروویتز، ۱۹۸۶، ص ۱۷۱) تشکیل می‌دهند.

بر اساس «نظریه رسانه» برای کسب شناخت از وضعیت ارتباطات در جامعه باید دو موضوع را مورد کنکاش علمی قرار داد: ۱) محیط‌های رسانه‌ای، و ۲) پیام‌های رسانه‌ای. در این مقاله برای شناخت نقش مجله‌ها در ساختار ارتباطات عمومی علم در ایران، محیط‌های رسانه‌ای در فضای کلی اجتماع از نظر محتوای مجله‌ها، ویژگی‌های جمعیتی ایران، و آموزش تحلیل شده است تا بتوان نسبت به تغییر حاصل از حضور مجله‌های علمی عمومی ایرانی در ساختارهای فرهنگی از جمله شکل و نهاد ارتباطات در جامعه، شناخت علمی به دست آورد. هدف از این پژوهش تحلیل تاریخی وضعیت اطلاع‌رسانی و ارتباطات عمومی علم در مجله‌های علمی عمومی ایرانی (۱۲۹۰ - ۱۳۹۰ خورشیدی) است. با کاربرد روش علمی پژوهش در تاریخ انتشار مجله‌های علمی عمومی ایرانی، تغییر ساختاری حاصل از انتشار مجله‌های علمی عمومی در ایران به دایره شناخت درآمده‌اند که بعداً در همین مقاله به آنها می‌پردازیم.

## روش پژوهش

روش مطالعه مجله‌های علمی عمومی در ایران در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های تاریخی و اسنادی بوده است. به عبارت دیگر، تاریخ انتشار مجله‌های علمی عمومی ایرانی از

راه تحلیل و تفسیر وقایع و رویدادهای مربوط به حوزه آموزش و خوانش محتوای این مجله‌ها (شامل متن و تصویر) مورد کاوش قرار گرفته است. چنین تحلیلی امکان شناخت رئوس کلی تاریخ ارتباطات عمومی علم در ایران را با توجه به انتشار این مجله‌ها فراهم کرده است. برای انجام تحلیل تاریخی، دسترسی به سیاهه‌ای از مجله‌های علمی عمومی ایرانی ضروری بود. گفتنی است که به علت فقدان چنین سیاهه‌ای، پس از صرف مدت زمانی یک ساله، سیاهه مجله‌های علمی عمومی ایرانی تهیه و تنظیم شد که در ادامه توضیح داده شده است. اهمیت تنظیم این سیاهه در آن بود که درباره کمیت انتشار مجله‌های علمی عمومی در ایران اطلاعات جدیدی به دست داد که در تحلیل‌های ما لازم بود. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از مدارک و منابعی فراهم آمدند که وضعیت اجتماعی ایران را از نظر آموزشی تحلیل کرده‌اند. همچنین از مجلات علمی عمومی منتشر شده در ایران به عنوان منابعی که برخی شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه را بازنمایی کرده‌اند، استفاده شده است. پس از فراهم آمدن این اطلاعات توانستیم رخدادهای علمی که در طول زمان مورد تحلیل، حادث شدند را بشناسیم و ساختار ارتباطات عمومی علم در هر دوره را تبیین کنیم.

گفتنی است که با توجه به نقش مهم نظام‌های سیاسی و حکومتی در حمایت یا ممانعت از انتشار هر نوع نشریه‌ای در ایران، دوره‌های تاریخی مورد مطالعه بر اساس دوره‌های حاکمیتی مختلف به چهار دوره قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم و جمهوری اسلامی تقسیم شده است. همچنین اسناد و مدارک موجود درباره دلایل انتشار مجله‌ها که مهم‌ترین آنها شماره اول یا پیش‌شماره‌های هر مجله‌ای است، در بستر تاریخی هر دوره مورد تحلیل تاریخی قرار گرفتند تا نقش مجله‌های علمی عمومی در ویژگی‌های ساختاری ارتباطات عمومی علم در ایران شناسایی شود.

بدین ترتیب در پژوهش تاریخی حاضر فرایند فراز و فرود مجله‌های علمی عمومی ایرانی در بستر وضعیت آموزشی و اجتماعی ایران مورد مطالعه قرار گرفت. چنین تحلیلی در زمره تحلیل‌های تاریخ نهادی ارتباطات قرار دارد (شادسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱، ص ۱۷۶). امتیاز این قبیل مطالعات تاریخی آن است که «به مطالعه توسعه رسانه‌ها و نهادهای رسانه‌ای می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه این نهادها توسعه پیدا کرده‌اند» (همان). از این رو در اینجا با قرار دادن این مجله‌ها در بافت اجتماعی-آموزشی ایران، می‌توان ساختار مورد نظر را به‌مثابه شبکه روابط

1. Shadson

عناصر یک نظام و در ارتباط متقابل با یکدیگر تحلیل کرد. اما پیش از ارائه یافته‌های این پژوهش، در مورد روش تهیه سیاهه مجله‌های علمی عمومی ایرانی و محتوای این سیاهه توضیح داده شده است.

### سیاهه‌برداری از مجله‌های علمی عمومی ایرانی

فهرست مجله‌های علمی عمومی ایرانی با در نظر گرفتن دو ملاحظه تهیه شد:

۱- نتایج مطالعه اکتشافی نشان داد که در ایران به بسیاری از مجله‌ها و نشریه‌ها، عنوان «علمی» داده شده است. این در حالی است که با در نظر گرفتن محتوای آنها متوجه شدیم که اغلب این مجله‌ها درباره علم نیستند بلکه تلاش آنها این بوده است که موضوع‌هایی مانند دین و مذهب را به طور علمی مطالعه و تحلیل کنند. مجله «آفاق الحضاره الاسلامیه» نمونه‌ای از این نوع مجله‌هاست که در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است و خود را همواره به عنوان یک مجله اجتماعی، علمی و فرهنگی معرفی کرده است.

۲- تا سال ۱۳۷۰ مجله‌ها مخاطبان خود را اعلام کرده‌اند، ولی در مواردی مثل «مجله علمی شیلات ایران» گرچه مخاطب خود را عامه مردم معرفی کرده است، اما محتوای مجله بسیار تخصصی است و اطلاعات پژوهشی روز را در اختیار خوانندگان می‌گذارد که با مباحث و موضوع‌های تخصصی شیلات و علوم دریایی آشنا هستند. از این جهت لازم بود که نمونه‌گیری با توجه به خوانش محتوای آنها انجام شود.

این فهرست با استفاده از این منابع تهیه شده است: ۱- فهرست مندرجات مجله‌های علمی و علوم اجتماعی که مرکز مدارک علمی ایران منتشر کرده است؛ ۲- فهرست مجله‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ ۳- مجلات مرکز اسناد دانشگاه تهران؛ ۴- راهنمای مجله‌ها و روزنامه‌های ایران در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶؛ و ۵- خوانش محتوای مجله‌ها توسط محقق.

ملاک گزینش مجله‌های علمی عمومی عبارت بودند از: الف) مجله‌های علمی عمومی نشریه داخلی مربوط به یک سازمان خاص نباشند؛ ب) جنبه‌های علمی آنها بر جنبه‌های سرگرم‌کننده‌شان برتری داشته باشد و بتوان آنها را مجله علمی عمومی به شمار آورد؛ ج) محتوای ساده و قابل فهم داشته باشند طوری که توسط یک فرد معمولی جامعه یعنی شخصی با سطح تحصیلات دیپلم و ساکن در هر منطقه‌ای از کشور قابل فهم باشند؛ د) مخاطبان

تحلیل تاریخی وضعیت ارتباطات عمومی علمدر مجلات علمی عمومی ایرانی (۱۳۹۰ - ۱۳۹۰ خورشیدی)

آن توسط مجله، عامه مردم معرفی شده باشد؛ و سرانجام هم در تهران منتشر شده باشد زیرا احتمال این که در سایر نقاط کشور توزیع شده باشند بیشتر است. با در نظر گرفتن مجموعه این ملاحظات و با استفاده از فهرست‌های مذکور، فهرست مجله‌های علمی عمومی ایرانی در جدول ۱ مشاهده می‌شود:

جدول ۱. فهرست مجله‌های علمی عمومی منتشر شده در ایران (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ خورشیدی)

دهه	۱۳۸۰	۱۳۹۰	۱۳۰۰	۱۳۱۰	۱۳۲۰	۱۳۳۰	۱۳۴۰	۱۳۵۰	۱۳۶۰	۱۳۷۰	۱۳۸۰
ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
یاکریم	شیر مادر	کاوش	خوراک	سخن دانش و فن	پزشک خانواده	شهریز	صحت‌نمای ایران	صحیه و امور خیریه	علم و اخلاق	صحت	
پیک تندرستی	نجوم	کهکشان	پزشک امروز	دانشمند	دانشتپا	-	-	طب	اختر دانش	طبابت	
موتور	دانشگر	اطلاعات علمی	هدهد	دنیای حیوانات	دنیای علم	-	-	-	طب مصور	-	
موتور سیکلت	دانش روز	مرزهای یکران فضا	دانشتپا	مکتب مام	کاوش	-	-	-	-	-	
سلامت	-	کیهان علمی	آشنایی با دانش	فضا	شکار و طبیعت	-	-	-	-	-	
-	-	فاراد	ماشین	-	فروزا	-	-	-	-	-	

بر اساس این اطلاعات، بین سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۳۹۰ خورشیدی، می‌توان به چهل مجله علمی عمومی اشاره کرد که در تهران منتشر می‌شده‌اند و در تحلیل مربوط به این مقاله به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده‌اند (جدول ۱). لازم به ذکر است که در جدول ۱، نام مجله «عهد ترقی» مشاهده نمی‌شود چرا که این مجله تنها مجله‌ای است که پیش از سال ۱۲۸۰ خورشیدی یعنی در ۱۲۵۱ خورشیدی به طور ماهنامه منتشر می‌شده و زمینه آن علوم، ادبیات و فن آوری بوده است. از این نظر از فهرست مجله‌های مورد مطالعه در این پژوهش خارج شده است. از بین ۴۱ مجله علمی عمومی که تاکنون در تهران منتشر شده‌اند، هفت مجله هم‌اکنون در حال انتشار هستند و بقیه به انتشارشان پایان داده‌اند. با در نظر گرفتن موضوع‌هایی که مجله‌های علمی عمومی ایرانی به آنها پرداخته‌اند، می‌توان مجموع این مجله‌ها را در ۱۲ گروه موضوعی به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- ۱) علوم انسانی: علم و اخلاق، اختر دانش، سودمند، گنجینه معارف، ههد
- ۲) پزشکی و بهداشت: طبابت، صحت، طب مصور، طب، صحیه و امور خیریه، صحت نمای ایران، شهریر، پزشک خانواده، دانش روز، پیک تندرستی، شیر مادر، پزشک امروز، سلامت
- ۳) علوم: سخن دانش و فن، فضا، آشنایی با دانش، دنیای علم، اطلاعات علمی، دانشگر، نجوم، دانشمند
- ۴) علوم جانوری: دنیای حیوانات، یاکریم
- ۵) روان‌شناسی: مکتب مام
- ۶) محیط زیست: شکار و طبیعت
- ۷) تغذیه: خوراک
- ۸) کشاورزی: کشاورز امروز
- ۹) تاریخ علم: مرزهای بیکران فضا
- ۱۰) مکانیک و وسایل نقلیه: موتور، موتورسیکلت، ماشین
- ۱۱) علوم اجتماعی: کیهان علمی، دانستی‌ها، فاراد
- ۱۲) ترکیبی: کاوش، کهکشان، فروزا

بافت تاریخی انتشار مجله‌های علمی و وضع ساختاری اطلاع‌رسانی و ارتباطات عمومی علم در ایران برای تحلیل تغییرات ساختاری حاصل از انتشار مجله‌های علمی عمومی ایرانی باید در وهله اول دانشی کلی درباره وضعیت آگاهی و محتوای اندیشه‌ورزی حاکم بر حوزه عمومی ایران داشته باشیم. برای دستیابی به چنین دانشی باید متوجه بود که نظام آموزشی ایران و نظام انتشار فرهنگ و دانش چه وضعیتی داشته است. همچنین لازم است که زیست‌جهانی که مردم در آن به سر برده‌اند نیز تا حد ممکن تشریح شود. این دانش به ما کمک می‌کند تا ویژگی‌های مجله‌های علمی عمومی و بستری که در آن فعالیت می‌کردند را باز بشناسیم. از این‌رو، چنین دانشی درباره مجله‌ها و اینکه در چه زمانی شروع به انتشار کرده‌اند، توسط چه کسانی راه‌اندازی شده‌اند، خط‌مشی آنها، و دلایل و اهداف انتشار مجله چه بوده‌اند نیز برای این تحلیل اهمیت پیدا می‌کند. در وهله دوم باید به مطالعه این موضوع پرداخت که مجله‌های علمی عمومی ایرانی در شکل‌گیری ساختار ارتباطات عمومی علم در ایران چه نقشی ایفا کرده‌اند و استراتژی آنها برای ایجاد تغییر در شکل ارتباطات چه بوده است.

مرور تاریخی برگزیده ایران حاکی از آن است که نخستین ماشین چاپ برای استفاده عمومی در ایران در سال ۱۸۱۳ میلادی (۱۱۹۲ خورشیدی) در تبریز و نخستین مدرسه مدرن با نام دارالفنون در ۱۸۵۲ میلادی (۱۲۳۱ خورشیدی) با تعدادی معلم اروپایی و متون ترجمه شده مربوط به علوم مدرن شروع به کار کردند. در این سال‌ها ایرانیان تحصیل‌کرده خارج از ایران به کشور برگشتند و بی‌درنگ ده‌ها کتاب در رشته‌های جغرافیا، مهندسی، پزشکی، نظامی، زیست‌شناسی، ریاضیات و دیگر رشته‌ها ترجمه شد (پوراحمد، ۲۰۰۸: ۹۸). به این ترتیب نخستین مواجهه ایرانیان با علم مدرن از راه انتشار این محصولات فکری بوده است و تفکر علمی حاکم بر ایران (علم به معنای مدرن آن) در آغاز از زیست‌جهان<sup>۱</sup> روشنفکری غرب تأثیر گرفت. بی‌دلیل نیست که روشنفکران و کارشناسان آموزش و پرورش اصلاح‌طلب در دوره قاجار نیز از فیلسوفان و متفکران غربی مانند ژان ژاک روسو، جان آدامز، توماس جفرسون،

1. Life World

آدام اسمیت و جان استوارت میل تأثیر پذیرفته بودند و لذا مدرنیزاسیون نظام آموزش ایرانی را برای مطابقت با تفکر مدرن روشنفکران غربی پیشنهاد دادند (تامر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۲۱).

اما برای تحلیل بافت فرهنگی و اندیشه‌ورزی در ایران، شناخت ویژگی‌های زیست‌جهان ایرانی هم از اهمیت برخوردار است. بر اساس نظر هابرماس<sup>۲</sup> (۱۳۸۳: ۶۷) «زیست‌جهان شامل تفسیرهایی است که اعضای جامعه، آن را به عنوان معرفت پس‌زمینه، به صورت پیش‌فرض گرفته‌اند». عبداللہیان و اجاق (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای ویژگی‌های زیست‌جهان ایرانی را با تأکید بر نقش روشنفکران تحلیل کردند و حضور گفتمان‌های مختلف در زیست‌جهان ایرانی را نشان دادند. آنها نشان دادند که هر یک از گفتمان‌ها در زیست‌جهان ایرانی نماینده طرز تفکر یک گروه یا طبقه اجتماعی خاص است. ولی از میان انواع گفتمان‌ها، گفتمانی در بین مردم معمولی ایران امکان و مجال بیشتری برای گسترش داشته است که به وسیله نظام سیاسی حمایت می‌شده است و با اصول و مبانی اسلام در تعارض نبوده است. در واقع، وقتی نظام سیاسی در ایران از تفکر خاصی حمایت می‌کند، ابزار و امکانات بسیاری برای انتشار آن تفکر در اختیار طرفدارانش قرار می‌دهد. از این‌رو، در مطالعه تغییرات ساختاری حاصل از انتشار مجله‌های علمی عمومی در ایران بهتر است که نقش این مجله‌ها در تغییر ساختار فرهنگی جامعه بر اساس دوره‌های نظام‌های سیاسی مختلف حاکم بر ایران، تحلیل و ارزیابی شود. از سوی دیگر، باید توجه داشت که نقش نظام سیاسی در ویژگی‌های فضای تفکر حاکم بر ایران از چنان قدرتی برخوردار بوده است که فرصت تغییر در فضای اندیشه‌ورزی و نحوه تفکر را کم می‌کند. در این شرایط به جای علم و تفکر علمی، روش‌های تفکر دیگری فرصت رشد می‌یابند. ملکیان (۱۳۸۰) نیز به این دو عامل تأثیرگذار در وضع اندیشه‌ورزی - فرهنگی ایرانیان توجه کرده است و آنها را در دو عبارت خلاصه نموده است: یکی عدم میل به تغییر جهان و دیگری توسل نظام سیاسی به عالمان دینی هنگامی که مردم نسبت به مشروعیت آنها تردید می‌کنند. این دو عامل موجب شده‌اند که ایرانیان بیش از جهان بیرون به جهان درون خویش توجه داشته باشند و عرفان و شعر نسبت به علم (به ویژه علوم تجربی اعم از طبیعی و انسانی) فرصت رشد و بالندگی بیش‌تری بیابند.

1. Tamer

2. Habermas



نکته دیگر در تحلیل ساختاری ارتباطات عمومی علم در ایران با در نظر گرفتن نقش مجله‌های علمی عمومی، توجه به محتوای این مجله‌ها و تعدد و تنوع آنها است. با دقت در فهرست مجله‌های علمی عمومی منتشر شده در ایران مشخص می‌شود که تعداد قابل توجهی از این مجله‌ها تنها در برخی روزنامه‌فروشی‌ها از جمله روزنامه‌فروشی‌های اطراف دانشگاه‌ها یا کتاب‌فروشی‌ها، به فروش می‌رسیدند و با تیراژ محدودی منتشر می‌شدند. از سوی دیگر، بسیاری از این مجله‌ها در معرفی خود از اصطلاحاتی مانند ادبی، اخلاقی، فرهنگی در کنار علمی استفاده کرده‌اند که نشان می‌دهد در انتخاب و تولید محتوای مطالب خود از سبک ترکیبی پیروی می‌کردند. سبک ترکیبی نیز امکان خرید این مجله‌ها توسط افرادی با ذائقه‌های گوناگون را میسر می‌ساخت. در ادامه با قرار دادن مجله‌های علمی عمومی در بافت اجتماعی دوره‌های نظام‌های سیاسی مختلف تلاش خواهد شد تا تغییراتی که انتشار و محتوای این مجله‌ها به مثابه محیط‌های فرهنگی در ساختار فرهنگی ایران ایجاد کرده‌اند بازنمایی شود. این بازنمایی در روشن کردن ویژگی‌های محتوایی این قبیل مجله‌ها که تأثیرگذار بر فضای فرهنگی ایران بود نیز واجد اهمیت است.

**الف) دوره قاجار: بازنمایی ساختارمندی نظام آموزش و ارتباطات عمومی علم در مجله‌های علمی ایرانی**  
در این دوره نخستین تلاش‌ها برای مدرن کردن ایران آغاز شده و علم مدرن و تلاش برای گسترش آن در بین مردم در مرکز توجه قرار گرفته بود. از جمله روش‌های انتقال علم مدرن به حوزه عمومی، انتشار مجله‌های علمی عمومی بود. ولی باید دید در سطح جامعه‌ای که تعداد زیادی از مردم آن بیسواد هستند، این مجله‌ها چه نقشی ایفا کرده‌اند. فهرست مجله‌های علمی عمومی ایران نشان می‌دهد که نخستین مجله‌های علمی برای عموم در دهه ۱۲۸۰ و ۱۲۹۰ خورشیدی منتشر شده‌اند. در این سال‌ها کشور ایران شاهد رخداد انقلاب مشروطه بود. انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ خورشیدی رخ داد. در تفاسیری که از دلایل رخداد این انقلاب شده، بر مغایرت با حکومت اسلام (لمبتون، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵)، رهایی از قدرت مطلقه (پهلوان، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲) و ناخشنودی روشنفکران، کارشناسان آموزش و پرورش، روحانیون و مردم از شرایط جامعه (تامر، ۲۰۱۰، ص ۸) تأکید شده است.

یکی از تأثیرات اجتماعی - فرهنگی مهم انقلاب مشروطه تشکیل نظام آموزش و پرورش رسمی برای آموزش علم مدرن به عموم پس از انقلاب مشروطه و وضع قانون اساسی و متمم آن بود. در این باره، مطالعه اسناد و مدارک مربوط به تاریخ آموزش و پرورش در ایران نشان می‌دهد که مجلس شورای ملی برای نخستین بار در ۹ آبان ۱۲۹۰ خورشیدی، قانون تعلیمات اجباری را تصویب کرد (سایت آفتاب، ۶ تیر ۱۳۹۰).

در توضیح شرایط اجتماعی ایران در این دوره، تامر (۲۰۱۰) به نقل از ویلبر<sup>۱</sup> نوشته است که در این سال‌ها مردم در حال تجربه گرسنگی، فقر، ناامنی، نومییدی و دل‌سردی بودند. در طول این سال‌ها، ایران صحنه جنگ‌های قومی و طایفه‌ای ایلات، ضعف دولت مرکزی و نفوذ کشورهای عثمانی، آلمان، انگلیس و روسیه در شهرهای غربی، جنوبی و شمالی بود. این آشفتگی‌ها موجب آسیب به بازارهای محلی و نابسامانی اقتصادی در این دهه شد. نکته مهم این است که در این دوره انتشار مجله‌های علمی عمومی آغاز شده است، اما با توجه به وضعیت اقتصادی نابسامان و نرخ پایین باسوادی در کشور، مسلم است که این مجله‌ها نمی‌توانستند مخاطب زیادی داشته باشند. با این حال، مجله‌های علمی عمومی در این دوره، مخاطب خود را عامه مردم معرفی کرده‌اند هر چند که تیراژ دقیق و رسمی آنها مشخص نیست.

در طول این دو دهه، پنج مجله علمی عمومی در تهران منتشر شده است ولی با توجه به شرایط اجتماعی ایران در این سال‌ها، این مجله‌ها خوانندگانی در بین عامه مردم نداشتند بلکه این قبیل مجله‌ها درصدد ارائه راهکار در مورد چگونگی آموزش، اهداف و کیفیت آن به مخاطبان نشان در بین طبقه بالا و روشنفکران جامعه بودند.

پنج مجله علمی عمومی که در این دوره منتشر می‌شدند عبارت بودند از: «صحت»، «طبابت»، «علم و اخلاق»، «اختر دانش» و «طب مصور». در سال ۱۲۸۲ هفته‌نامه‌ای به نام «طبابت» در زمینه علوم، صنعت و بهداشت، تنها در یک شماره منتشر شد. دومین مجله علمی عمومی این دوره با نام «صحت» نیز در سال ۱۲۸۳ به شکل هفته‌نامه منتشر شد. البته این مجله تنها به موضوعات بهداشتی می‌پرداخت و متونی در خصوص آموزش اصول بهداشتی منتشر می‌کرد اما دو هفته بیشتر دوام نیاورد. سپس تا سیزده سال بعد یعنی ۱۲۹۶ مجله علمی عمومی منتشر نشد تا اینکه در این سال مجله «طب مصور» در زمینه بهداشت انتشار یافت. نکته مشترک

1. Wilber

درباره این مجله‌ها آن است که بنیانگذاران آنها همگی پزشک بودند و هدفشان از انتشار این مجله‌ها بهبود وضع بهداشتی و «حفظ الصحة» مردم بود.

در سال ۱۲۹۷ نیز مجله علمی عمومی «اختر دانش» با تمرکز بر علوم انسانی منتشر شد. این مجله به شکل یک کتابچه منتشر گردید. البته این مجله نیز سرنوشتی مشابه دو مجله قبل داشت و تنها یک شماره از آن منتشر شد. اما استثناء در این مورد، مجله «علم و اخلاق» است که از بهمن ۱۲۹۹ تا مهر ۱۳۰۰ پنج شماره از آن منتشر شد. این مجله که برای عموم منتشر می‌شد، زمینه خود را علمی، اخلاقی، اجتماعی و ادبی معرفی کرد. پایه‌گذار این مجله، جمعیت علم و اخلاق بود که در سال ۱۲۹۹ خورشیدی تأسیس شده بود.

در شماره نخست این مجله، اهداف جمعیت علم و اخلاق را مشاهده می‌کنیم. اما با وجود طول عمر کوتاه این پنج مجله، مطالعه محتوای آنها نشان می‌دهد که در دهه ۱۲۹۰ زمینه‌سازی برای ایجاد ساختارهای آموزشی، علمی و ارتباطات عمومی علم از جمله مشخصات انتشار مجله‌های علمی عمومی در ایران بوده است. این موضوع حاکی از آن است که مجله‌های علمی عمومی ایرانی به مثابه محیط‌های فرهنگی در این دوره که تازه شروع به انتشار کرده بودند، در تلاش بودند تا طرحی برای وقوع تغییرات ساختاری در حوزه فرهنگ ایران از طریق شکل‌گیری نظام آموزشی دراندازند. این مجله‌ها به موضوع سواد، تحصیلات و لزوم سوادآموزی افراد توجه داشتند اما در این زمینه محتاطانه عمل می‌کردند. آنها به این موضوع توجه داشتند که نحوه آموزش و تربیت در نظام آموزشی و علمی باید به گونه‌ای باشد که وضعیت موجود جامعه را به هم نزنند. از این جهت، این محیط‌های فرهنگی نوظهور، خط‌مشی محافظه‌کارانه و رویکرد فایده‌گرایانه به علم و آموزش در ایران داشتند. این وضعیت از یک سو به دلیل نقش و اهمیت حمایت دولتی از انتشار این مجله‌ها بود و از سوی دیگر آغازگر رویکرد قشربندی علوم بود. تحلیل محتوای این مجله‌ها نشان می‌دهد که علوم فنی (در زمینه صنعت و کشاورزی) با وسعت نظر بیش‌تری مواجه بودند اما علوم انتقادی را برای وضعیت ایران مناسب نمی‌دانستند. همچنین باید گفت که دلیل توقف انتشار این مجله‌ها در جایی نیامده است.

ب) دوره پهلوی اول (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ خورشیدی): مجله‌های علمی عمومی و ترویج فرهنگ علمی  
جمشید مصباحی‌پور ایرانیان (۱۳۵۸، ص ۲۴۱) در تحلیل وقایع این دوره و تأثیر آنها بر

نظام فکری ایرانیان چنین می‌نویسد: «در این سال‌ها اندوه دورافتادگی باعث بازگشت روشنفکران به تاریخ ایران در جست‌وجوی هویت ملی شد». البته در این دوره افرادی که دل‌مشغول امور آموزش در کشور بودند و از مدل نهادسازی غرب تأثیر می‌گرفتند، در سال ۱۳۰۴ بخش آموزش عمومی را به‌عنوان یک شاخه از وزارت آموزش برای وارد کردن تفکر ملی‌گرایی در نظام آموزشی ایران راه‌اندازی کردند (تامر، ۲۰۱۰: ۳۰). از جمله وقایع مهم در حوزه علم در این دوره، تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ (باقری‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱ و ۱۴۲) و تشکیل اداره تعلیمات اکابر (مجلس، ۱۳۹۰) برای آموزش بزرگسالان در سال ۱۳۱۵ است. اداره تعلیمات اکابر یکی از ادارات وابسته به وزارت معارف بود و تا سال ۱۳۲۰ بر تشکیل و برگزاری کلاس‌های اکابر در ایران نظارت داشت. در سال ۱۳۱۶ نیز وزارت معارف به وزارت فرهنگ تغییر نام داد و آموزش اخلاقی به عموم در راستای اهدافش قرار گرفت. تامر (۲۰۱۰، ۳۳) به نقل از سیلیوز<sup>۱</sup> شرایط فرهنگی این دوره را چنین بازتاب می‌دهد که «کتاب‌ها، جزوه‌ها و مقالات زیادی منتشر شدند و سخنرانی‌های زیادی به وسیله دانشجویان و سایرین درباره مسئولیت مدنی، میهن‌پرستی و موضوعات مشابه ایراد شد، به طوری که در همین سال ۷۰۰ سخنرانی توسط ۱۸۱ هزار و ۲۵۰ نفر شنیده شدند». اگرچه این قبیل فعالیت‌ها موجب افزایش سواد شهروندی<sup>۲</sup> مخاطبان شد ولی مطالعه اسناد این وزارتخانه نشان می‌دهد که توجه رسمی به عمومی کردن علم نشده است. ضمن این که بین خواست شاه به استقلال فکری مردم و عمل او یعنی سلطه مستبدانه بر امور کشور و به سکوت کشاندن حوزه فکر و اندیشه در ایران مغایرت وجود داشت. با این حال در این دوره، نهادهای مدرن زیادی در ایران تشکیل شدند و تلاش‌های زیادی برای افزایش سطح رفاه مردم انجام شد.

در این دوره تعداد مجله‌های علمی عمومی کمتری نسبت به هر زمان دیگری در کشور منتشر شد. همان‌طور که سیاهه پژوهش نشان می‌دهد، در دو دهه حاکمیت پهلوی اول، تنها سه مجله علمی عمومی در تهران منتشر شد که عبارت از «صحیح و امور خیریه»، «طب» و «صحت نمای ایران» بودند.

مجله «صحیح و امور خیریه» در سال ۱۳۰۰ زیر نظر وزارت صحیح و امور خیریه در تهران

1. Sylłowicz

2. Civic Literacy

تأسیس و به صورت ماهنامه برای عامه مردم انتشار یافت ولی تنها یک شماره از این مجله منتشر شد. چهار سال بعد یعنی در سال ۱۳۰۴ مجله «طب» برای خدمت بحفظ‌الصحه و سلامتی عمومی و بالاخره بر اثر یک سلسله مشاهدات ناگوار اوضاع رقت‌انگیز صحتی (طب، شماره اول) راه‌اندازی گردید و فقط یک شماره از آن منتشر شد. سرانجام «صحت نمای ایران» در سال ۱۳۱۲ در زمینه آموزش پزشکی و اخلاق پزشکی منتشر شد. در مدت دو سال ۲۴ شماره از آن منتشر شد و پس از آن به دلایل نامعلومی به انتشار خود پایان داد.

همانطور که مشاهده شد، مجله‌های علمی عمومی دوره پهلوی در حوزه پزشکی و سلامت منتشر شدند و به‌منظور بهتر کردن وضعیت سلامتی و بهداشتی مردم وارد حوزه عمومی شدند. این مجله‌ها توسط پزشکانی که نگران شرایط بهداشتی و سلامت عموم مردم بودند، و با انگیزه بهبود کیفیت زندگی مردم ایران منتشر شدند. البته در این دوره مجله‌های علمی عمومی به مثابه محیط‌های فرهنگی بین سنت و مدرن نیز عمل کرده‌اند. این موضوع متأثر از ویژگی‌های زیست‌جهان ایرانی بود و برای جلب رضایت عامه بود. البته با توجه به این که حامی مالی اصلی این مجله‌ها نظام سیاسی بود، تلاش برای حفظ وضعیت موجود و بازنمایی چهره‌ای دوستدار مردم از حاکمان نیز مورد توجه این مجله‌ها بود. همچنین، وابستگی مالی به نظام سیاسی، دلیل اصلی توقف انتشار این مجله‌ها بوده است. در این دوره ساختار فرهنگی ایران از نظر تشکیل نهادهای رسمی مانند وزارت آموزش و فرهنگ<sup>۱</sup>، انجمن‌های علمی و دانشگاه‌ها هم دچار تغییر شده بود و در واقع تلاش می‌شد تا پایه ایجاد فرهنگ حمایت‌گر علوم در ایران گذاشته شود. البته باید توجه داشت که ایجاد و گسترش فرهنگ حمایت‌گر علوم در ایران، فرایندی زمان‌بر و هزینه‌بر است. به عبارت دیگر، برای این که فرهنگ حمایت‌گر علوم در ایران رشد کند باید همواره اسباب و تمهیدات لازم مهیا شوند.

ج) دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷): تشکیل نخستین ساختارهای ارتباطات عمومی علم در ایران یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های این دوره رواج دو تفکر حزب توده و پان‌ایرانیسم در حوزه عمومی ایرانی است. از بین این دو تفکر، تفکر پان‌ایرانیسم از امکانات زیادی برای انتشار و ترویج برخوردار بود. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این گروه، تشکیل کانون پرورش فکری

۱. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

کودکان و نوجوانان (بهنود، ۱۳۸۱: ۵۲۸) است که به عنوان سازمانی فرهنگی و هنری در سال ۱۳۴۴ و به ریاست فرح پهلوی تشکیل شد. اهمیت این کانون از نظر تشکیل نهادی مرتبط با فعالیت‌های ارتباطات عمومی علم در ایران است که انتشار مجله‌های علمی عمومی در ایران را هم مورد حمایت خود قرار داد. اما باید توجه کرد که توجه این نهاد به عمومی‌سازی علم از دید ترویج و انتشار علم بوده است. از این جهت، در اساسنامه کانون توجه اساسی به تولید، انتشار و توزیع کتاب‌ها و محصولات دیداری شنیداری و تأسیس کتابخانه‌های عمومی ثابت و سیار شده است (نک به ویکی‌پدیا، آذر ۱۳۹۰). البته تلاش شده تا متون علمی نیز برای مردم، ساده و قابل فهم شوند و برای نمونه می‌توان از تدوین فرهنگنامه کودکان و نوجوانان نام برد. اما انتشار و توزیع کتاب‌ها و سایر محصولات فرهنگی، وزن بیشتری از فعالیت‌های کانون را تشکیل می‌داد.

در این خصوص باید توجه داشت که ایجاد این قبیل مراکز و نهادها از یک سو، با ایجاد تغییر در محیط اجتماعی، موجب مواجهه مردم معمولی با نوع جدیدی از سبک زندگی شد و از سوی دیگر، امکانات و تسهیلاتی برای ترویج و ارتباطات عمومی علم فراهم آورد. برای نمونه، می‌توان به تلویزیون اشاره کرد که از دهه ۱۳۳۰ در ارتباطات عمومی علم و ترویج علم در ایران نقش داشته است (وصالی، اجاق، عطاری، ۱۳۸۶). در این دوره تلاش‌های زیادی نیز برای افزایش نرخ باسوادی در کشور انجام شد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱) طرح شش ماده‌ای انقلاب سفید که بر اساس برنامه‌های آن قرار شد که با گسترش دوره‌های آموزش ابتدایی، سطح سواد در بین مردم افزایش یابد. این کار با آموزش رایگان، وعده غذایی رایگان و استفاده از تلویزیون برای برنامه‌های مرتبط با گسترش آموزش ابتدایی انجام می‌شد؛ ۲) ایجاد سپاه دانش در سال ۱۳۴۱؛ ۳) برنامه پیکار با بیسوادی (مجلس، ۱۳۹۰؛ ۴) تشکیل سازمان جهاد ملی سوادآموزی در سال ۱۳۵۴ (مجلس، ۱۳۹۰؛ ۵) برگزاری نخستین همایش جهانی درباره حذف بیسوادی در تهران در سال ۱۳۴۳ و توافق شرکت‌کنندگان بر مفهوم سوادآموزی تابعی (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۰). منظور از سوادآموزی تابعی یا حرفه‌ای، آموزش سواد و علوم با توجه به شغل افراد و یاد دادن مهارت‌های مربوط به حرفه آنان همراه با سوادآموزی است. این موضوع با توجه به افزایش تعداد کارخانه‌ها و نیاز به کارگران ماهر که بتوانند بدون

صدمه زدن به خود و ماشین‌های صنعتی با این ماشین‌ها کار کنند اهمیت داشت. در واقع، بیسواد یکی از مشکلات اصلی ایران و توسعه صنعتی آن بود (صباحی، ۲۰۰۱).

مجموعه این اقدامات و برنامه‌ها موجب شد تا هدف خاصی در بافت جامعه ایران برای سواد علمی در نظر گرفته شود به طوری که توماس و کیندو<sup>۱</sup> در مورد هدف سواد علمی در ایران گفته‌اند که «هدف سواد علمی این است که به پر کردن شکاف بین دانش قدیمی فرهنگ‌ها و اجتماعات مختلف - مانند فولکلور - و دانش جدید علم بین‌المللی کمک کند» (پوپلی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹، ص ۱۲۸). اما برای روشن شدن نقش مجله‌های علمی عمومی در بافت اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره پهلوی دوم در ادامه به تحلیل مجله‌های منتشر شده در این دوره می‌پردازیم.

در طول این دوره، ۱۴ مجله علمی عمومی در تهران منتشر می‌شد و مطالعه آنها نشان می‌دهد که: (۱) مجله‌های علمی عمومی جایگاه خود را به مثابه محیط‌هایی برای انتشار اطلاعات، دانش و اخبار علمی روز دریافته بودند و متوجه اهمیت اطلاعات علمی به روز شده بودند؛ (۲) این مجله‌ها تلاش می‌کردند تا در محدوده حوزه علم به مسائل اجتماعی بپردازند؛ (۳) مجله‌ها همچنان به علوم فنی و کاربردی اولویت قائل بودند. اما از سوی دیگر در این دوره در ساختار فرهنگی کشور، تغییرات عمده‌ای به وقوع پیوست و نهادهای پیش‌تری برای افزایش سطح سواد و آموزش مردم پدید آمدند. روستاییان در نظام آموزشی و سلامت کشور مورد توجه قرار گرفتند و تعداد تحصیلکردگان روستایی افزایش یافت. البته تحلیل مجله‌های علمی عمومی این دوره نشان می‌دهد که در این دوره، علم به عنوان راه‌حلی برای مشکلات اجتماعی ایران ارزش‌گذاری و تقدیر می‌شد. با توجه به اهمیت آموزش مردم و انتقال اخبار و اطلاعات روزآمد به آنها، در این دوره ترویج و عمومی‌سازی علم به عنوان راهی برای ارتباط علم و جامعه در کک شد اما ساختار مدونی به شکل وزارتخانه یا بخشی که متصدی این کار باشد و یا حتی سیاست مشخصی برای آن تنظیم نشد. در ضمن مجله‌های این دوره با پرداختن به موضوع‌هایی مانند زیبایی یا حیوانات، سبک زندگی مدرن را نیز بازنمایی می‌کردند. ماهنامه دنیای حیوانات در زمره این مجله‌هاست. این مجله توسط ارگان رسمی جمعیت ملی حمایت

1. Thomas and Kindo

2. Popli

حیوانات منتشر شد. مجله شکار و طبیعت هم در زمره این مجله‌ها محسوب می‌شود که انتشار آن از سال ۱۳۳۸ تاکنون ادامه داشته (از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۰: توقف انتشار) است. اما بر خلاف دوره پهلوی اول که مجله‌های پزشکی تنها مجله‌های علمی عمومی بودند که در تهران منتشر شدند، در دوره پهلوی دوم تنها دو مجله «شهریر» و «پزشک خانواده» در این حوزه منتشر شدند. ماهنامه «مکتب‌مام» نیز در زمینه تربیت خانوادگی و برای عموم مردم در اسفند ۱۳۴۶ به مدت ۱۱ سال و دو ماه بی‌وقفه منتشر شد. نه مجله دیگر نیز در این دوره منتشر شدند که همگی در حوزه علوم بودند. بنیانگذاران این مجله‌ها همگی متخصصان رشته‌هایی بودند که مجله‌ها در آن زمینه منتشر می‌شدند. البته بعضی از این مجله‌ها مانند «فروزا» و «دانستی‌ها» تنها یک شماره منتشر کردند.

#### د) دوره جمهوری اسلامی (۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰): افزایش کمی مجله‌های علمی عمومی

نقش انقلاب اسلامی در تحولات حوزه علم و آموزش، پاکسازی نظام آموزشی بود. پاکسازی نظام آموزشی به معنای زدودن مفاهیم غیراسلامی از نظام آموزشی است. به این ترتیب این کار با وارد کردن مفاهیم اسلامی در محتوای آموزشی و اسلامی کردن علوم و ترویج علوم اسلامی همراه بود. اما این روال به مرور زمان دچار تغییر شد به طوری که روشنفکران دینی که در این دوره و از بطن شرایط موجود ایران رشد کردند، برای دستیابی به مدرنیته ایرانی تلاش کردند و موجب تحول در زیست‌جهان سنتی شدند. مشخصه بارز تفکرات این روشنفکران توجه غیرایدئولوژیک به اسلام بود.

پاکسازی نظام آموزشی علاوه بر متون، شامل عوامل و کنشگران انسانی در نهادهای آموزشی هم بود به طوری که در طول پاکسازی، ۴۰ هزار معلم اخراج یا مجبور به بازنشستگی شدند (تامر، ۲۰۱۰: ۶۴) و کتاب‌های مرجع و مواد آموزشی برای تطهیر آنها از محتوای غیراسلامی جمع‌آوری شدند. پس از پاکسازی، امام خمینی (ره) شورای عالی انقلاب فرهنگی را برای اصلاح در نظام آموزشی ایرانی تأسیس کرد که مسئولیت پاکسازی و اسلامی کردن نظام آموزشی را بر عهده داشت. در طول پاکسازی و با نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی همه مدارس ابتدایی و راهنمایی که مشابه نمونه‌های خارجی و غیراسلامی بودند، تعطیل شدند و حضور



تحلیل تاریخی وضعیت ارتباطات عمومی علمدر مجلات علمی عمومی ایرانی (۱۲۹۰ - ۱۳۹۰ خورشیدی)

زنان در این نظام کاهش یافت و رویهٔ مکتبی در نظام آموزشی وارد شد. نکتهٔ دیگر اینکه پس از انقلاب اسلامی در کمتر از دو دهه جمعیت ایران دو برابر شد و تعداد دانشگاه‌ها و دانشجویان تا ۱۰ برابر افزایش یافت (پوراحمد، ۲۰۰۸). در این دوره، فعالیت‌هایی برای افزایش میزان باسوادی در کشور انجام شد. از جمله فعالیت‌هایی که در راستای کاهش نرخ بی‌سوادی در دورهٔ جمهوری اسلامی انجام شد، تشکیل نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۵۸ به دستور امام خمینی (ره) است. این سازمان در حال حاضر نیز زیر نظر وزارت آموزش و پرورش به فعالیت خود ادامه می‌دهد و در تشریح فعالیتش باید به این موضوع اشاره کرد که رئیس این سازمان در سال ۱۳۸۸ اعلام کرد که این سازمان دو هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد (زنده‌رود، ۱۳۸۹).

یکی از رخدادهای قابل توجه در این دوره توجه به «ارتباطات علمی» و نه ارتباطات عمومی علم، در برنامهٔ چهارم توسعه است که مربوط به مراودات علمی بین دانشگاه‌های داخل و خارج (بند ز ماده ۳۵، بند د ماده ۴۳، بند د ماده ۴۶، بند الف ماده ۷۵، بند ه ماده ۱۱۰) است. همچنین در بند دال ماده ۴۶ توسعهٔ همکاری‌های مؤثر بین‌المللی در عرصهٔ پژوهشی و فن‌آوری از طریق اصلاح و ساده‌سازی قوانین و مقررات مربوطه خواسته شده است. این در حالی است که توجهی به ارتباطات عمومی علم نشده است. البته در این زمینه می‌توان به فعالیت‌هایی که جهاد کشاورزی و وزارت نیرو داشته‌اند اشاره کرد که در زمینهٔ ترویج فن‌آوری نمونه‌های موفق بوده‌اند. همچنین، در طول سه دههٔ جمهوری اسلامی کمیتهٔ مجله‌های علمی عمومی رشد داشته است و ۲۰ مجله علمی عمومی در این دوره منتشر شده است. البته باید توجه داشت که برخی از مجله‌هایی که در این دوره منتشر شده‌اند، مانند «آشنایی با دانش»، «دانشمند» و «دانستی‌ها» در دورهٔ قبل هم منتشر شده بودند. در این دوره، بیشتر افرادی که به انتشار مجله علمی عمومی پرداخته‌اند از گروه علوم تجربی یا ریاضی بودند که در مواردی به نظریه‌پردازی دربارهٔ ماهیت علوم انسانی و اجتماعی هم پرداخته‌اند.

در این دوره مضامین دینی با شدت بیشتری وارد مجله‌های علمی عمومی شده است. اما باید توجه داشت که یکی از دلایل برجسته شدن این موضوع استفاده از تصاویر سیاسیون در این مجله‌هاست که چون افراد تشکیل دهنده آن غالباً روحانیان هستند، به نظر می‌رسد که مجله‌ها بازنمایی بیش‌تری از مذهب دارند. در ضمن در مقایسه با دوره‌های قبل به نظر می‌رسد که با

فاصله گرفتن از دهه ۱۲۸۰، مجله‌های علمی عمومی موضع محتاطانه‌ای نسبت به علوم انسانی و اجتماعی اتخاذ کرده‌اند، متون مجله‌های علمی عمومی هم از نظر تصویری و هم از نظر پرداختن به مفاسد اجتماعی با محدودیت مواجه شده است. با این حال مجله‌های علمی عمومی در این دوره، بیشتر در حال انتقال اطلاعات علمی به مردم هستند تا این که مروج فرهنگ حمایت‌گر علم، بازنمایی ماهیت فرایندی و پویای علم و از این قبیل موارد باشند.

نتیجه‌گیری: نقش مجله‌های علمی عمومی ایرانی در تحولات فرهنگی، معنایی و مفهومی در ایران این پژوهش با استفاده از رویکرد تاریخی و با خوانش محتوای مجله‌های علمی عمومی و مطالعه هدف و خط‌مشی انتشاراتی این قبیل مجله‌ها نشان داد که مجله‌های علمی عمومی ایرانی به عنوان یکی از نهادهای رسانه‌ای در ساختار نامنسجم ارتباطات عمومی علم در ایران شکل گرفتند. کارکرد بارز آنها این بوده است که به مثابه محیط‌های فرهنگی و اطلاع‌رسانی، ویژگی‌های اولیه توسعه ارتباطات عمومی علم را به ساختار فرهنگی و حوزه معنایی و مفهومی ایران معرفی کرده‌اند. مطالعه مجله‌های علمی عمومی نشان داد که می‌توان سه نقش کلی را برای مجله‌های علمی عمومی ایرانی در ارتباط با تحول و تغییر در فضای فرهنگی جامعه ایرانی به شرح زیر قائل شد:

۱. اطلاع‌رسانی و معرفی زیرساخت‌های علم توسط مجله‌های علمی عمومی. این موضوع ویژگی نخستین مجله‌های علمی عمومی منتشر شده در ایران است. مطالعه مجله‌های علمی عمومی ایران نشان داد که با وجود نامناسب بودن ساختار فرهنگی کشور از جمله میزان کم باسواد، وضعیت اقتصادی نابسامان، شرایط نامناسب چاپ و نشر در دوره قاجار، ارتباطات عمومی علم در ایران نسبتاً شروع قابل قبولی از نظر استانداردهای علمی داشتند. این مجله‌ها بر لزوم شکل‌گیری نهادها، روش‌ها و زمینه‌های افزایش سواد بین عموم و نیز به استفاده از امکانات موجود برای پیوند حوزه علم با حوزه عمومی توجه داشتند. اما این آغاز از نظر تأثیر رشد تفکر انتقادی در بین افراد باسواد و تحصیلکرده بر جامعه، محتاطانه بوده است.

نویسندگان مجله‌های علمی عمومی در دوره قاجار بر اساس این فرض قلم می‌زدند که گسترش علم و سواد در بین افراد جامعه موجب سرکشی آنان در برابر نظام سیاسی می‌شود. در ضمن بر این نکته نیز تأکید داشتند که عدم اشتغال افراد تحصیلکرده در مشاغل موجود و تمایل

آنها به مشاغل اداری، موجب ضعف اقتصادی کشور می‌شود. نکته جالب در مجله‌های دوره قاجار این بود که در محتوای مجله‌ها، بیش از هر چیز از جمله معرفی پیشرفت‌های علمی غرب به خوانندگان، مقالاتی درباره زیرساخت و زمینه‌های به وجود آورنده این پیشرفت‌ها منتشر می‌کردند و تلاش این مجله‌ها بر این اصل استوار بود که مشابه چنین زیرساخت‌هایی را برای توسعه ایران ترویج کنند.

۲. گرامیداشت علم<sup>۱</sup> توسط مجله‌های علمی عمومی ایرانی. مجله‌های علمی عمومی در دوره‌های پهلوی اول و دوم تلاش کردند تا یافته‌ها، اخبار و اطلاعات علمی را به مخاطبان منتقل کنند. معرفی ارزش و اهمیت علم و دانشمندان به مردم یکی دیگر از ویژگی‌های مجله‌های علمی عمومی در این دوره بود. در این دوره، مجله‌های علمی عمومی، رشد علمی ایران در قرن‌های گذشته و مشاهیر علمی ایران را به مردم یادآوری کرده‌اند. عمده‌ترین تغییر ساختاری این دوره این است که تلاش‌های زیادی برای افزایش نرخ باسوادی در کشور انجام شد و مجله‌های علمی عمومی این دوره از وضعیت رکود علمی در ایران انتقاد می‌کردند.

مجله‌های علمی عمومی در این دوره، سعی کردند تا علت مشکلات اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی جامعه را فقدان علم و تخصص‌های علمی معرفی کنند و به این ترتیب علم را به عنوان راه‌حلی برای همه مشکلات جامعه تبلیغ و ترویج نمودند. نکته قابل توجه در این دوره، کارکرد مشابه مجله‌های علمی عمومی و نهادهای سوادآموزی در کشور است. در این دوره، برنامه‌های سوادآموزی تابعی به عنوان بهترین نوع سواد برای انتقال به عموم شناخته شدند. تحلیل مجله‌های علمی عمومی بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ نشان داد که محتوای مجله‌های علمی عمومی نیز در راستای انتقال دانش فنی، شغلی و اجتماعی تهیه و تنظیم شدند. به نظر می‌رسد که مجله‌های علمی عمومی با اتخاذ این روش تلاش کردند تا آگاهی عامه مردم در زمینه‌های مختلفی چون بهداشت، سلامت، کشاورزی، پرورش جسمی و روانی کودکان و از این قبیل را افزایش دهند.

۳. گسترش کمی در نهادهای ارتباطات عمومی علم. مجله‌های علمی عمومی منتشر شده در دوره جمهوری اسلامی ایران از نظر کمیت، افزایش قابل توجهی یافته است و مجله‌های بسیاری در رشته‌های مختلف علوم و فن‌آوری منتشر شده‌اند. اما مطالعه محتوای این مجله‌ها نشان می‌دهد که احتمالاً نویسندگان این مجله‌ها، شناخت و توان علمی لازم برای انتقال این

1. Science appreciation

اطلاعات و بالا بردن درک علمی مردم را ندارند یا از این توانایی خود بهره نگرفته‌اند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت آموزش فنون و روش‌های روزنامه‌نگاری علمی و علاقه‌مند ساختن متخصصان برای برقراری ارتباط با مردم عامه است.

اما نکته قابل توجه این است که این مجله‌ها اگرچه تنها یکی از اجزاء ساختار ارتباطات عمومی علم در ایران را تشکیل می‌دهند، اما توانسته‌اند ابزاری برای انتقال اطلاعات علمی یا معرفی ساختار ایده‌آل ارتباطات عمومی علم در ایران باشند. همچنین این مجله‌ها به مثابه محیط‌های فرهنگی در تحولات اجتماعی ایران از سنت به مدرنیته ایفای نقش کرده‌اند و سبک‌های جدید و مترقی‌تری را از کیفیت زندگی به مخاطبان عامه معرفی کرده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که این مجله‌ها در تحولات فرهنگی، معنایی و مفهومی در ایران نقش داشته‌اند.

## منابع

- اجاق، زهرا (۱۳۸۴). *مطالعه خصیصت‌های عقلانیت ارتباطی در حوزه عمومی ایرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- باقری زاده، علی (۱۳۸۳). *سیر تحول روشنفکری در دوره پهلوی اول*. تهران: ودیعت.
- بهنود، مسعود (۱۳۸۱). *از سیدضیاء تا بختیار*. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۳). *ریشه‌های تجدد*. تهران: قطره.
- تاریخ آموزش بزرگسالان (۱۳۹۰). بازیابی شده در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۹۲ از: [www.tarh.majlis.ir](http://www.tarh.majlis.ir)
- زنده‌رود، مریم (۱۳۸۹). *آیا نهضت سوادآموزی به پایان رسیده است؟ فرهیختگان*، ۵، ۵۰۰.
- سلطانی، پوری؛ صباگردی مقدم، احمد و عالمی، زهرا (۱۳۸۰). *راهنمای مجله‌های ایران*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سایت آفتاب (۱۳۹۰). *از مکتب‌خانه تا مدرسه، بررسی سیر تحولات آموزش و پرورش*. بازیابی شده در ۶ تیر ۱۳۹۰ از: [www.aftabir.com](http://www.aftabir.com)
- قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸). بازیابی شده در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۹۲ از: [www.modares.ac.ir](http://www.modares.ac.ir)
- لمبتون، آن. کی. اس (۱۳۷۹). *نظریه دولت در ایران*. ترجمه چنگیز پهلوان. تهران: گيو.
- مایروویتز، جاشوا (۱۹۸۶). *رسانه‌ها و رفتار - حلقه مفقوده* (گودرز میرانی، مترجم؛ سعیدرضا عاملی سرویراستار). در پل کوبلی (ویراستار)، *نظریه‌های ارتباطات* (جلد چهارم، ص ۱۵۱-۲۱۰). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

تحلیل تاریخی وضعیت ارتباطات عمومی علمدر مجلات علمی عمومی ایرانی (۱۳۹۰ - ۱۳۹۰ خورشیدی)

- مصباحی‌پور ایرانیان، جمشید (۱۳۵۸). *واقعیت اجتماعی و جهان داستان*. تهران: امیر کبیر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۰). *وضعیت تفکر در ایران معاصر: گفتگو با مصطفی ملکیان*. بازیابی شده در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۹۲ از: [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)
- وصالی، منصور؛ اجاق، زهرا و عطاری، مازیار (۱۳۸۶). *رصد و مطالعه سیاست‌های ملی ترویج علم در کشورهای D8، G8، هند و چین*. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- ویکی‌پدیا (۱۳۹۰). *کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان*. بازیابی شده در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۹۲ از: <http://fa.wikipedia.org>
- ویکی‌پدیا (۱۳۹۰). *سوادآموزی در ایران*. بازیابی شده در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۹۲ از: <http://fa.wikipedia.org>
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۳). *نظریه کنش ارتباطی*. ترجمه کمال پولادی. تهران: موسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

#### References

- Popli, R (1999). Scientific Literacy for All Citizens: Different Concepts and Contents. *Public Understanding of Science*, 8 (2), 123-137.
- Pourahmad, J. (2008). History of Medical Science in Iran. *Iranian Journal of Pharmaceutical Research*, 7 (2), 93 – 99.
- Sabahi, S. F. (2001). The literacy corps in Pahlavi Iran (1963–1979) Political, Social and Literary Implications. *Cahiers d'études sur la Méditerranée orientale et le monde turco-iranien*, 31, 191-220.
- Shadson, M. (1991). Media Contexts: Historical Approaches to Communication Studies. *A Handbook of Qualitative Methodologies for Mass communication Research*. Ed. by Klaus Bruhn Jensen and Nicholas W. jankowski. New York: Routledge Publication.
- Tamer, Y. (2010). *Basic Changes in Iraninan Education System before and after Islamin Revolution*. M. A. Thesis, Middle East technical university, Ankara. Retrieved 9 Jun, 2013, from: <http://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12612887/index.pdf>

به این مقاله این گونه استناد کنید:

عبداللهیان، حمید و اجاق، زهرا (۱۳۹۱). تحلیل تاریخی وضعیت ارتباطات عمومی علم در مجلات علمی عمومی ایرانی (۱۳۹۰ - ۱۳۹۰ خورشیدی). *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۹ (۲)، ۲۳۵-۲۵۵.